

شهریور ۱۳۵۷: از وحشت رژیم تا میدان ژاله

جمعه سیاه: نقطه پایان یک پادشاهی

۱۱ شهریور ۱۴۰۴ ساعت ۱۹:۴۵

در شهریور ۱۳۵۷، رژیم پهلوی برای مهار خیزش انقلابی مردم ایران، آخرین برگ برنده خود را رو کرد: اعلام سراسری حکومت نظامی. تصمیمی عجولانه که قرار بود نظم را بازگرداند، اما به یکی از خونین‌ترین روزهای تاریخ معاصر ایران انجامید و به جای فرونشاندن شعله‌ها، آتشی عظیم‌تر برافروخت. این روایت، جزئیات پنهان آن روزهای پرتلها، نقش‌آفرینی‌ها و پیامدهای فاجعه‌بار "جمعه سیاه" را بازگو می‌کند؛ روزی که سرنوشت یک ملت را برای همیشه دگرگون ساخت.

شهریور ماه سال ۱۳۵۷، دورانی سرنوشت‌ساز در تاریخ معاصر ایران بود که نقطه عطفی در اوج‌گیری انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. در این ماه، رژیم پهلوی در مواجهه با خیزش مردمی که هر روز ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گرفت، به یک راهکار قهرآمیز و سرکوب‌گرانه روی آورد: اعلام حکومت نظامی. اما این تصمیم نه تنها نتوانست جلوی موج انقلاب را بگیرد، بلکه به شعله‌ورتر شدن آن انجامید و منجر به یکی از خونین‌ترین وقایع تاریخ ایران، یعنی "جمعه سیاه" شد.

تصمیم‌گیری برای اعلام حکومت نظامی: سراسیمگی در دربار

راهپیمایی عظیم ۱۶ شهریور ۱۳۵۷ در تهران، که با حضور میلیونی مردم برگزار شد، سردمداران رژیم پهلوی را به شدت سراسیمه و نگران کرد. همین نگرانی بود که شبانه‌گاه ۱۶ شهریور، یک جلسه اضطراری با حضور مقامات ارشد لشکری و کشوری از جمله جعفر شریف‌امامی (نخست‌وزیر)، امیرخسرو افشار (وزیر امور خارجه)، غلامرضا ازهاری (رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران)، ناصر مقدم (رئیس ساواک)، و دیگر فرماندهان برگزار شد.

در این نشست، ناصر مقدم گزارشی از اوضاع کشور و برنامه‌های مخالفان برای روز ۱۷ شهریور ارائه داد و بر ضرورت برقراری حکومت نظامی در تهران تأکید کرد. محمدرضا شاه پهلوی شخصاً موافق این اقدام بود و تمایل داشت با "قاطعیت" این "غائله" را بخواباند. حتی تلاش‌های اردشیر زاهدی، سفیر وقت ایران در آمریکا، برای منصرف کردن شاه از پیامدهای این تصمیم بی‌ثمر ماند. ویلیام سولیوان، سفیر وقت آمریکا، نیز این اقدام را "مبارزه آشکار با مخالفان" توصیف کرد، عبارتی که نشان از ماهیت سرکوب‌گرانه این تصمیم داشت.

پس از طرح نظرات در جلسه اضطراری و بررسی در شورای امنیت ملی، هیئت دولت بلافاصله برای بررسی بیشتر دعوت شد. در جلسه‌ای فوق‌العاده که در ساعت ۲۲:۳۰ همان شب تشکیل شد، برقراری حکومت نظامی در تهران و ۱۱ شهر بزرگ دیگر (کرج، قزوین، قم، مشهد، تبریز، اهواز، آبادان، اصفهان، شیراز، کازرون، جهرم) به تصویب رسید. با دستور شاه، غلامعلی اویسی، فرمانده نیروی زمینی، به عنوان فرماندار نظامی تهران و حومه انتخاب گردید. هدف از این اقدام، علاوه بر جلوگیری از اعتراضات احتمالی،

محتوای اطلاعیه دولت: توجیهات پوشالی

نیمه‌های همان شب، دولت اطلاعیه‌ای تنظیم کرد که صبح ۱۷ شهریور از رادیو قرائت شد. این اطلاعیه، که بسیاری از مردم از آن بی‌خبر بودند، تظاهرات و "آشوبگری" مردم را به "توطئه ضد مردمی"، "پول و نقشه خارجی" و "تحریکات بیگانه" نسبت داد. دولت ادعا کرد که علیرغم "تذکرات آیات عظام" (مانند آیت‌الله شریعتمداری) و اطلاعیه‌های قبلی دولت، مردم به "قانون‌شکنی" و "برهم زدن نظم عمومی" ادامه داده‌اند.

نکته قابل تأمل این اطلاعیه، ادعای دروغین دولت مبنی بر "جلوگیری از خونریزی" و اعمال "حداکثر ملایمت" بود، در حالی که پیشتر به مردم شلیک شده بود. هدف از حکومت نظامی "حراست از موجودیت و وحدت ملی"، "تأمین رفاه عامه"، "حفظ توسعه اقتصادی"، "اصلاحات اداری"، "تأمین عدالت اجتماعی"، "مبارزه با فساد" و "تأمین آزادی‌های واقعی" عنوان شد. حکومت نظامی برای مدت ۶ ماه در شهرهای مذکور اعلام گردید. این اطلاعیه به سرعت مورد انتقاد قرار گرفت، چرا که توجیهات آن دروغین و وعده‌های اصلاحات تکراری و بی‌اعتبار شده بودند.

پیامدهای فاجعه‌بار: جمعه سیاه و اوج‌گیری خشم مردمی

علیرغم اعلام حکومت نظامی، بسیاری از مردم تهران که از این خبر بی‌اطلاع بودند، صبح روز ۱۷ شهریور طبق وعده‌های قبلی به سمت میدان ژاله (شهدا کنونی) حرکت کردند. در نزدیکی میدان، کامیون‌های مملو از نظامیان ایستاده بودند، اما مردم بی‌اعتنا به راه خود ادامه می‌دادند. حدود ساعت ۷:۳۰ صبح، جمعیت عظیمی در میدان ژاله و خیابان‌های اطراف مستقر شدند. با بی‌توجهی مردم به اخطار یک فرمانده نظامی برای متفرق شدن، نیروهای نظامی راه‌های عبور را از چهار طرف بر مردم بستند. ناگهان صدای رگبار مسلسل بلند شد و در مدت چند ثانیه، صدها نفر در خاک و خون غلتیدند. این واقعه دلخراش، که به "جمعه سیاه" مشهور شد، نقطه عطفی در انقلاب بود و نفرت مردم از رژیم را به اوج خود رساند.

اگرچه تعداد دقیق شهدای این فاجعه هرگز رسماً اعلام نشد، اما منابع مختلف آمارهای تکان‌دهنده‌ای ارائه دادند. آنتونی پارسونز، سفیر انگلیس، تعداد شهدا را "صدها نفر" ذکر کرد. ویلیام سولیوان، سفیر آمریکا، گزارش داد که "بیش از دویست نفر" در میدان ژاله کشته شدند. جان استمپل، یکی از اعضای سفارت آمریکا، نیز با استناد به منابع پزشکی، تعداد شهدا را "بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ نفر" برآورد کرد، در حالی که برخی ناظران این تعداد را تا هزار نفر نیز شمارش کرده‌اند.

سفارت آمریکا در گزارش‌های خود تأکید کرد که سربازان مجهز به "کلیه وسایل جنگی" و "تفنگ‌های ژ-۳" بودند و به جای "سلاح‌های کنترل‌کننده جمعیت" از "سلاح‌های جنگی" استفاده می‌کردند. این گزارش‌ها به وضوح نشان می‌داد که رژیم شاه با اجرای حکومت نظامی، به جان مردم افتاده بود.

حمایت آمریکا و واکنش علما

نکته قابل تأمل درباره حکومت نظامی و کشتار ۱۷ شهریور، اعلام حمایت قاطع آمریکا از رژیم شاه بود. بلافاصله بعد از جمعه سیاه، جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، با محمدرضا پهلوی تلفنی صحبت کرد و پشتیبانی آمریکا را از او اعلام نمود. این حمایت، خشم مردم ایران را از دولت آمریکا نیز دوچندان کرد.

در مقابل، مردم به شدت عصبانی بودند و علما و مراجع تقلید انزجار خود را از این جنایت اعلام کردند. حضرت امام خمینی (ره) با صدور پیامی از نجف در ۱۸ شهریور، حکومت نظامی را تقبیح کرده و فرمودند: "بار دیگر شاه با دستور حکومت نظامی در تهران و سایر شهرستان‌های بزرگ ایران ثابت کرد که پایگاهی در میان ملت ندارد." ایشان اعلام حکومت نظامی و کشتار ۱۷ شهریور را برملا شدن چهره "دولت آشتی ملی" اعلام کردند و به مردم بشارت دادند که "دیر یا زود پیروزی از آن شماست." امام همچنین از ارتش خواست اسلحه را کنار گذاشته و در کنار مردم بایستد.

سایر علما نیز واکنش نشان دادند. آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی طی تلگرافی به شریف‌امامی هشدار داد که "اعلام حکومت نظامی و جوی خون راه انداختن هیچ دردی را دوا نخواهد کرد" و با صدور اعلامیه‌ای، کشتار مردم را محکوم کرد. آیت‌الله سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی نیز ضمن ابراز انزجار از جنایات رژیم، عزای عمومی اعلام کرد. آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری نیز با صدور اطلاعیه‌ای "فاجعه دردناک روز جمعه" را تسلیت گفت و از مردم خواست برای "بهانه ندادن به دست دستگاه"، عزای عمومی را در خانه‌های خود برگزار کنند، که لحن ملایم‌تری نسبت به سایر علما داشت.

دامنه سرکوب و گسترش اعتراضات

رژیم علاوه بر تهران، در سایر شهرهای اعلام‌شده نیز با اجرای حکومت نظامی، دست به جنایت زد. از جمله در مشهد که به روی مردم آتش گشود و تعدادی را به شهادت رساند. در شهرهای مختلف کشور مانند خوزستان، کرمان، زنجان، قم، یزد، اصفهان، کاشان، آذربایجان شرقی، سیستان و بلوچستان، و کرمانشاه نیز درگیری‌هایی به خاطر زیر پا گذاشتن قانون حکومت نظامی رخ داد.

یکی دیگر از پیامدهای حکومت نظامی، دستگیری و بازداشت گسترده مخالفان رژیم بود. ساواک تنها در یک هفته پس از اعلام حکومت نظامی، ۱۲۶ نفر از "قشریون مذهبی طرفدار روح‌الله خمینی" و صدها نفر از شرکت‌کنندگان در تظاهرات تهران را دستگیر کرد. تعداد بی‌شماری نیز در شهرهای دیگر بازداشت شدند که آمار دقیقی از آن در دست نیست.

جمع‌بندی: ناکامی حکومت نظامی و اوج‌گیری انقلاب

با وجود تمام سرکوب‌ها و دستگیری‌ها، "شریف‌امامی سرمست از باده پیروزی" در ۲۱ شهریور اعلام کرد که "آرامش نسبی در سراسر کشور به وجود آمده است." اما چیزی نگذشت که تمام آرزوهای او نقش بر آب شد. خشم مردم به صورت اعتصابات گسترده، به ویژه در "شاهرگ حیاتی رژیم" یعنی صنعت نفت، بروز کرد.

حکومت نظامی نه تنها از دامنه اعتراضات نکاست، بلکه موجب گسترش اعتراضات مردمی به شکل اعتصابات شد و ناکامی رژیم در کنترل اوضاع را به وضوح نشان داد. همانطور که یکی از مأموران سفارت آمریکا نوشت: "شاه و حکومت در کوشش برای حفظ نظم مدنی در ماه‌های آینده حتی در شرایط حکومت نظامی با دشواری‌های بزرگی مواجه خواهد شد."

با اوج گرفتن مبارزات مردمی، اجرای قانون حکومت نظامی نیز برای رژیم کارساز نبود. مردم بدون هراس از توپ و آتش مأموران شاه در خیابان‌ها صف‌آرایی کردند و دامنه تظاهرات رفته رفته بیشتر می‌شد. آخرین حکومت نظامی از سوی رژیم پهلوی در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ اعلام شد که با فرمان تاریخی امام خمینی (ره) توسط مردم شکسته شد و در نهایت منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید. جمعه سیاه، به جای آنکه آتشی را خاموش کند، به هیزمی برای شعله‌ورتر شدن آتش انقلاب تبدیل شد و نشان داد که با

اراده مردمی که به پا خاسته‌اند، هیچ قدرتی یارای مقابله ندارد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۵۰۱۸۴/پیک-پایان-نقطه-سیاه-جمعه>